



رویکردی دیگر به معماری پایدار با نگرشی به معماری سنتی ایران

حسین حمزوی

عضو هیأت علمی تمام وقت گروه معماری، معاونت فنی و عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

Hamzavi.hossein@yahoo.com

چکیده

در قرن بیستم، بشر در ایجاد فرهنگ تولید و مصرف گروهی به موفقیت هایی دست یافت. پیچیده تر شدن مناسبات فردی و اجتماعی بشر و پیچیدگی نیازمندی های وی، سبب دخالت های جدی تر او در طبیعت و در نتیجه شاهد تغییر شکل ناگهانی در آن شده که مستلزم هشدارهای ضروری می باشد این هشدارها، از اوایل دهه شصت شدت گرفت: گرم شدن زمین، کمبود آب قابل شرب، افزایش آلودگی و ضربات روحی به انسانها، از جمله هشدارهای تکان دهنده در جهت تداوم سلامت زندگی بشری است. که در این راستا، آرزوهای بسیاری در محققان و دانشمندان، برای حفاظت از اکوسیستم و برای دوام فرهنگی و تاریخی و به تبع آن پایداری پدید آورد. از سال ۱۹۸۷، هنگامی که کمیته برون دلتند سازمان بین المللی، مفهوم توسعه پایدار را مطرح نمود، پایداری به صورت جدی تر مطرح شد.

پایداری لغتی است که جنبه های پیچیده ی بسیاری را شامل می شود. امروزه اغلب، لغت پایداری در جامعه مطرح است. اما معنی درست این لغت و مفاهیم آن برای معماران، هنوز، کاملاً واضح نیست. از آنجایی که هیچ روش یا توصیه ی قطعی درباره ی معماری پایدار وجود ندارد، بنابراین توجه به مباحث و نظریه های بیان شده در این زمینه ضروری به نظر می رسد. هر چند توسعه ی پایدار ریشه های اکولوژیکی و اقتصادی دارد، ولی با جستجو درباره ی معضلات پیش روی انسان معاصر و راه حل آنها در معماری پایدار، نقش طبیعت هرچه بیشتر آشکار می گردد.

در این راستا این مقاله تلاش در نمایاندن برخی راهکارهایی دارد که معماری سنتی ایران را به معماری قابل تطبیق با تعریف پایدار (سبز)، اگر نه در همه ابعاد، لاقلاً در اصل و ریشه می نماید.

کلمات کلیدی: توسعه پایدار، معماری پایدار، فرایند معماری، طبیعت.



مقدمه

دیدگاه توسعه ی پایدار، تفکر انسان مدارانه و نقادانه ی مدرنیته را به چالش می گیرد. پس از یک قرن آزمایش تجربیات مدرنیته در کنار دستاوردهای با ارزش، وقایع تکان دهنده ای در زمینه های اجتماعی و محیط زیست رخ می دهد.

تفکر مدرن برای نفی تقلید و محافظه گری و رها سازی استعدادها، انقلابی برپا کرد و جایگاه خلاقیت را از آسمان به زمین آورد. اندیشه های جدید در علوم مختلف حرکت و نسبیت را جایگزین سکون و قطعیت نمود. به این ترتیب نیروهای شگرفی آزاد شدند، واژه ی توسعه مربوط به این تحول می گردد که به معنی رقم زدن آینده انسان توسط وی و ابزار نائل شدن آن به هدف است. توسعه به دلیل مواجه شدن با تهدیدات اکوسیستمی، اخطار جدی را دریافت می دارد و این تهدیدات تبدیل به دغدغه های اصلی بشر و زمینه ساز بازنگری مبانی و راه کارهای مدرنیسم میشوند. (احمدی، ۱۳۸۲)

خطرات پیش روی انسان معاصر بسیارند؛ برای نمونه می توان به آنچه کریستوفر الکساندر^۱ درباره اش بحث می کند، اشاره نمود:

"بیشتر نظرات و پیش بینی های درباره ی انفجار جمعیت، مربوط به عوامل اقتصادی، خاصه کمبود مواد غذایی و تمام شدن منابع طبیعی است، اما خطری دیگر و بزرگتر نیز موجود است و آن از بین رفتن زیبایی است... سلامت انسان به عنوان یکی از موجودات طبیعت، بستگی به تأثیرات کالبدی، عنصری، عصبی و احساسی او نسبت به محیط دارد. واژه «با هم بودن» و مفهوم آن را ممکن است زیاد جدی نگیریم اما جدایی روز افزون آدمیان، از یکدیگر و از سایر مظاهر حیات در این سیاره مسأله ای بس جدی است. اکولوژی دانشی درباره ی همین با هم بودن اشیاء و عناصر و محیط زیست آنهاست. آدمی موقعیت بومی ای را که خود به عنوان یکی از انواع طبیعی از آن برخاسته است چنان تغییر می دهد و این تغییر چندان غیر منطقی و ناندیشیده است که خود آینده ی خود را به خطر می اندازد."

در جایی دیگر الکساندر میگوید: "اگر بر اثر رشد سریع جمعیت به فرض تأمین غذای همه ی آنها مقدور باشد و اگر تحت چنین شرایطی آدمی هنوز باقی بماند و به زندگی ادامه دهد، بی تردید به موجود دیگری تبدیل شده است یا موجودی دیگر که دست کم از دیدگاه او قابل قبول نیست. او از ضعف و سستی انسانیت صحبت می کند (الکساندر، کریستوفر و سرج چرمایف، به نقل از منوچهر مزینی، ۱۳۷۶)

پس از مدرنیسم، گرایش های پسامدرن پدید آمدند که موجب تأثیراتی در فرایند توسعه، سازماندهی اموزاز جمله محیط زیست آدمی می شود. در این میان آلترناتیوهای نظیر حفظ محیط زیست، استفاده از تکنولوژی در خدمت محیط زیست و ... مطرح می شوند.

^۱ معمار و نظریه پرداز انگلیسی در سال ۱۹۶۷ مرکز سازه های محیطی را در دانشگاه برکلی کالیفرنیا بنیان نهاد او درباره کاربرد اصول علمی در برنامه ریزی و نیز تحول قواعد پیچیده ی ریاضی به منظور بار تولید موقعیت هایی که در آن فرهنگ های بدوی فرم هایی را هماهنگ با محیطشان خلق می کنند، تجربیاتی دارد (تزیب، کیت، به نقل از شیرازی، محمدرضا، ۱۳۸۶، ۱۶۶)

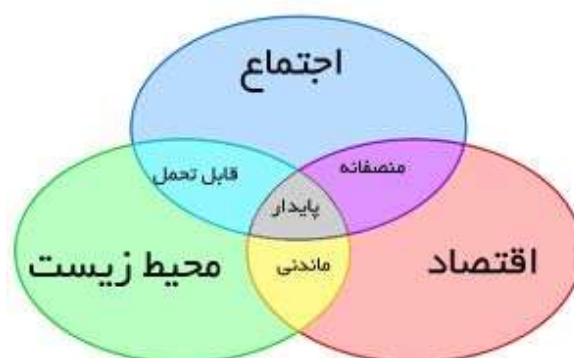
وضعیت جهان در آغاز قرن ۲۱، به یک توسعه ی ناپایدار گواهی می دهد که از مشخصه های آن رشد جمعیت، افزایش مصرف و توزیع نامتعادل منابع می باشد. رشد جمعیت همانند سبک زندگی غربی تحمیل بزرگی بر محیط طبیعی است که در زمان ما منجر به تغییرات آب وهوایی، سوراخ هایی در لایه اوزون، زوال گونه ها و سکونت گاه های طبیعی گردیده است از آنجایی که مشکلات محیطی، اغلب در مکانیسم ها، ساختارها و ارگانیزم ها پنهان شده اند، جستجوی اثرشان پس از نمود واقعی، بسیار به تأخیر می افتد. شناسایی یک مساله ی محیطی، نتیجه ی وابستگی به متودها و ابزار علمی، همانند سیستم های اعتباری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می باشد. (BECK، ۱۹۹۲).

توسعه ی پایدار

توسعه ی پایدار، یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده است که معانی متفاوت بسیاری دارد و در نتیجه واکنش های مختلفی را بر می انگیزاند. مفهوم توسعه ی پایدار، یک نوع تلاش برای ترکیب مفاهیم در حال رشدی درباره ی حوزه ای از موضوعات محیطی با موضوعات اجتماعی اقتصادی می باشد.

مفهوم توسعه ی پایدار یک تغییر مهم در فهم رابطه ی انسان و طبیعت و انسان ها با یکدیگر می باشد این مساله با نگاه دو قرن گذشته در تضاد است دیدگاهی که بر پایه ی جدایی موضوعات محیطی و اجتماعی و اقتصادی می باشد.

در دو قرن گذشته، محیط به طور عمده به عنوان یک موضوع خارجی نسبت به بشر، تلقی می شده است. برای استفاده و استثمار، مشکلات محلی اساساً به صورت محلی دیده می شدند. در مجموع، ارتباط انسان و محیط، به صورت غلبه ی انسان بر طبیعت درک می شد. در این دیدگاه دانش و تکنولوژی بشر می توانست بر تمام موانع محیطی و طبیعی فایق آید.



شکل ۱- حوزه های مرتبط با توسعه پایدار

این دیدگاه مرتبط با توسعه ی سرمایه داری و انقلاب صنعتی و علم مردن می باشد همان طور که بیکن^۲ یکی از پایه گذاران علم مدرن، آن را مطرح می کند: «جهان برای بشر ساخته می شود و نه بشر برای جهان». مدیریت محیطی بر پایه ی مدیریت منابع طبیعی بود که تصدیق می کرد، بشر نیاز به منابع طبیعی دارد و این منابع می بایست به جای استثمار سریع، مدیریت شوند تا حداکثر استفاده ی طولانی مدت از آنها مقدور باشد، علم اقتصاد آمد تا بر موضوع ارتباط انسان و رشد اقتصادی حاکم گردد که توسط افزایش تولیدات، به عنوان اولویت، تعریف می گردد.

این نگرش، کلیدی بود برای رفاه زندگی بشر و از طریق رشد، فقر و تهیدستی، می توانست مغلوب گردد.

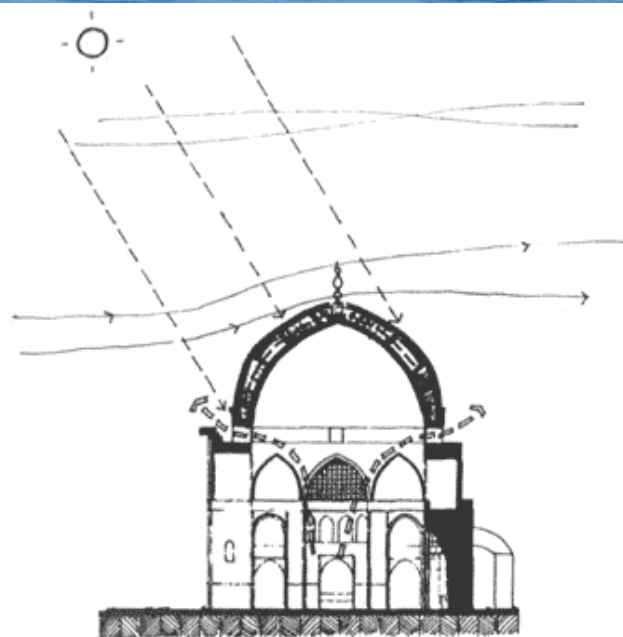
مفهوم توسعه ی پایدار، حاصل رشد آگاهی از پیوندهای جهانی، مابین مشکلات محیطی در حال رشد، موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فقر و نابرابری و نگرانی ها درباره ی یک آینده ی سالم برای بشر می باشد توسعه ی پایدار شدیداً موضوعات محیطی اجتماعی و اقتصادی را به هم پیوند می دهد. (Hopwood, Bill, et, al 2005)

معماری پایدار

در سال ۱۹۹۷ در کیوتو، اولین بار سران کشورهای صنعتی و جامعه ملل جهت راه یابی و جلوگیری از آلودگی محیط زیست، تشکیل جلسه دادند. اگر چه این امر بیشتر مربوط به استحصال و مصرف انرژی تولیدات صنعتی و منابع طبیعی بود تا در مورد ساخت و سازه های شهری مبتنی بر فرهنگ مصرفی، که از مکانیسم های سرمایه دارای سرچشمه می گیرد و یا از تولید سلاح های کشتار جمعی که بزرگترین آلاینده هاست صحبتی به میان نیامد در واقع بیش از یک دهه پس از مطرح شدن بحث توسعه ی پایدار شکل گرفت (احمدی، ۱۳۸۲).

جنبش معماری پایدار، حرکتی نوین در معماری است که اخیراً توجهات زیادی را جلب نموده است و به نظر می رسد که در بینش و فلاسفه اصلی خود جنبشی است که می تواند پهنای جهانی داشته باشد. چرا که هدف اصلی و محتوای معنوی این حرکت برقراری تعاملی همه جانبه بین انسان، طبیعت و معماری است که البته در این مسیر تکنولوژی به عنوان ابزار اصلی برقرار کننده این ارتباط معرفی می گردد. می توان گفت که این جنبش ادامه و فرم تکوین یافته سبک "های تک" و سپس "اکوتک" در سال ۱۹۷۲ میلادی است که با بینشی مثبت گرا نسبت به تکنولوژی و به صورت نقدی کالبدی در تقابل با هر نوع اندیشه ای است که تکنولوژی را غایت معماری و ابزاری برای تخریب طبیعت به کار گیرد، بدین معنی که در دیدگاه اکوتک (ارگانی تک) همواره به رخ کشیدن جلوه های تکنیکی جهت همسویی با طبیعت به کار می رود نه غلبه بر آن به هر جهت به نظر می رسد که این گرایش در محتوا و معنای خود بیش از سایر مکاتب معماری غرب که حتی اگر نه در پروژه های اجرایی در ظاهر کارهای دانشجویان معماری بدون در نظر گرفتن زمینه زایش هر یک از این سبک ها به وفور دیده می شود، با آنچه ما از آن به نام معماری سنتی ایران یاد می کنیم همگونی دارد.

² bacon



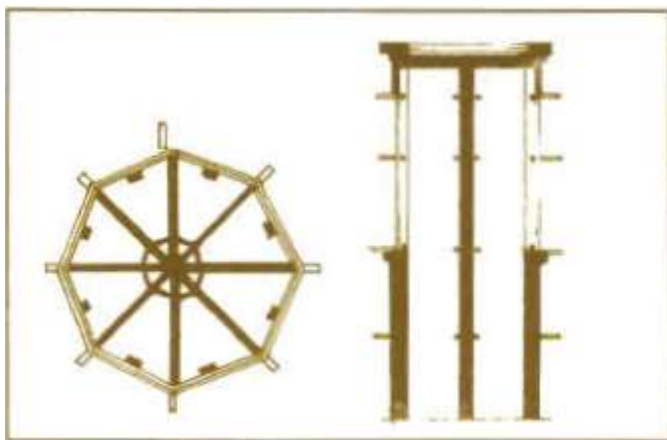
شکل ۲- نور گیری و تهویه طاق قوسی و گنبد در اقلیم گرم و خشک در مسجد جامع یزد با گنبدی دو پوسته.

پرداختن و توجه به مبانی فکری این حرکت و ترجمان معماری سنتی اقلیمی کشورمان و البته تلاش برای دست یابی به الگوهایی که در حد بضاعت اقتصادی و تکنولوژیک ایران تدوین گردیده و به کار آید، شاید ما را در یافتن و ادامه مسیری که پس از شیوه پر افتخار اصفهانی در اواخر سلسله قاجار به تدریج رو به افول گذاشته و سرانجام با خودمان بیگانه گشت یاری رساند.



شکل ۳- نور گیری و تهویه از سقف ، خانه بروجردی - کاشان

زمینه تبلور جنبش پایدار و هدف نهایی آن احداث بناهایی با کمترین میزان آسیب رسانی به محیط زیست استفاده بهینه از پتانسیل های طبیعی برای جایگزینی انرژی، باد، آب و ... به ازای انرژی متداول از منابع سوختی امروزی که غیر قابل ترمیم بوده و یا ترمیم آن ها پروسه های بس طولانی خواهد داشت توجه به حداقل هزینه انرژی در پروسه ساخت و زمان بهره برداری بازیافت مصالح و قابلیت بازگشت آن به چرخه طبیعی، بهره گیری از پوشش سبز گیاهی و تلفیق آن با معماری و خلاصه تمام آن چیزی که مصرف انرژی حداقل و نیز حداقل تخریب بی بازگشت را موجب می شود نگاهی اجمالی به گذشته معماری بومی ایران (مانند هر نوع معماری سنتی) می تواند چگونگی تحقق برخی از اصول یاد شده فوق را باز نمایاند.



شکل ۵- پلان و برش بادگیر باغ دولت آباد- یزد



شکل ۴- بادگیر بلند باغ دولت آباد- یزد

صرفه جویی در انرژی در پروسه ساخت و زمان بهره برداری

استاد بزرگوار مرحوم دکتر پیرنیا یکی از اصول پنج گانه معماری سنتی ایران را استفاده از مصالح "بوم آورد" معرفی نموده است. بدین معنی که بعد از شیوه پارسی واز دوره پارتی همواره تلاش براین بوده که مصالح مورد نیاز برای ساخت از منطقه یا مناطق نزدیک به آن فراهم گردد.

این نگرش علاوه برآنکه محصول معماری را متناسب و همگام با طبیعت پیرامون می نمایاند. بدیهی است مانع از افزایش هزینه و انرژی ساخت بنا به موجب حمل مصالح به محل مصرف شده و افزون بر آن باعث پیشرفت های چشمگیر در فن معماری گردید (از جمله طاق و گنبد) که این مقاله مجال بحث در این زمینه را ندارد از سوی دیگر مصالح به کاررفته از جنبه های مختلف با بنا

هماهنگی داشته علاوه بر اقلیم و سایر عوامل دخیل امکان تجدید و ترمیم آن ها فراهم بوده است و از همه مهمتر قابلیت بازگشت به چرخه طبیعی را دارا بوده اند. مصالحی مانند: خشت ، آجر، چوب، کاشی و همچنین ملات هایی چون ساروج، غوره گل، قیرچارو که هر کدام بنا به دلایل فنی مشخص انتخاب شده و به کار رفته اند.

به عنوان مثال استفاده از کاشی های منقوش و رنگی علاوه بر تطابق با اقلیم ایران قابلیت ترمیم نماهای ساخته شده را بدون اینکه تغییر رنگ نمای جدید و قدیم عیان باشد فراهم می کرده است و از این قبیل که بسیار است...

همچنین ویژگی "مردم واری" معماری ایران به معنای هماهنگی ساخت و سازها یا اندام های انسان و نیازهای خاص هر عملکرد، مقیاس فضاها را چنان تنظیم نموده که کاملاً در خور و به اندازه هر کارکرد بوده و به این ترتیب از صرف انرژی و مصالح مازاد بر آنچه به آن نیازی نیست هم در پروسه ساخت و هم در زمان بهره برداری (گرم کردن و سرد کردن فضا) خودداری می شده است.



شکل ۷-روزن های چوبی خانه های مسکونی-ابیانه

شکل ۶-روزن های چوبی خانه های مسکونی-ابیانه

همسویی با طبیعت ، نه تحمیل و تعرض به آن

International Conference on
Modern Research in Civil Engineering,
Architectural & Urban Development

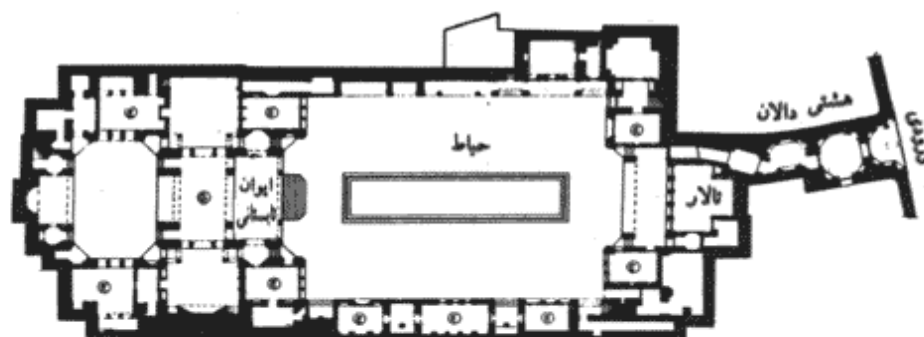
November 26, 2015
IRIB International Conference Center – Tehran

ISC ISI

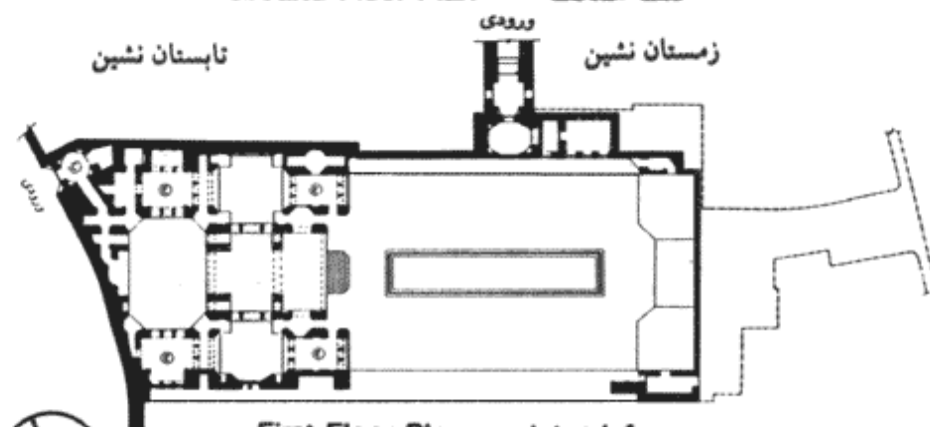
کنفرانس بین المللی
پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی
۵ آذر ماه ۱۳۹۴ / تهران - مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما

تلاش جهت تطابق با طبیعت پیرامون طیف وسیعی از انتخاب جهت مناسب برای استقرار فضایی کالبدی شهرها (رون) تا جانمایی فضاهای داخلی بنا را شامل می شود.

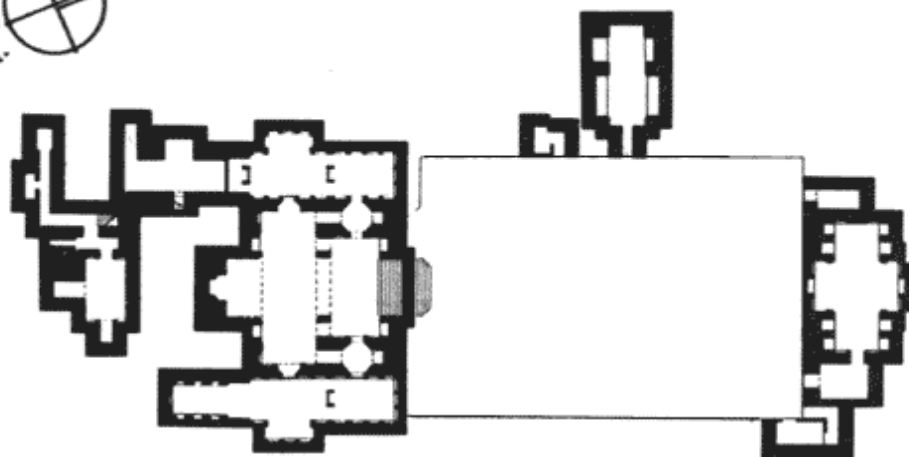
مشخص ترین و پر رنگ ترین جلوه آثار معماری سنتی ایران در پهنه وسیعی از خاک کشورمان درونگرایی است که بر خلاف تصور عمومی نه بعد از اسلام بلکه ریشه در کاخ های هخامنشی پاسارگاد دارد. استفاده از الگوی حیاط مرکزی به ویژه در معماری مسکونی بهترین پاسخ برای ساماندهی فضایی کالبدی معماری مناطق گرم ایران است که امکان بهره گیری از چهار جبهه اطراف زمین را برای ساخت فراهم می آورد.



Ground Floor Plan تقشه همکف



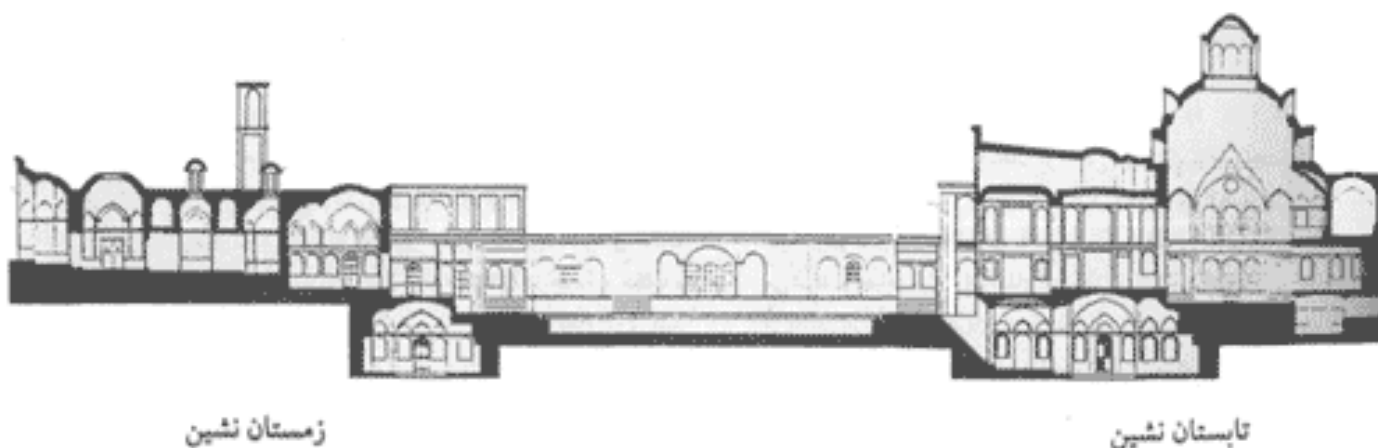
First Floor Plan تقشه طبقه اول



Underground Floor Plan تقشه زیر زمین

شکل ۸- پلان طبقات خانه بروجردی ها با حیاط بیرونی در محله میر احمد کاشان در استان اصفهان؛ پلان ها در شکل به ترتیب از بالا به پایین پلان همکف، طبقه اول و زیرزمین می باشد؛ با توجه به این پلان ها مشخص است که قسمت تاپستان نشین، زیرزمین و پس از این دو، قسمت زمستان نشین اهمیت و وسعت بیشتری نسبت به سایر قسمت ها دارند.

خانه های سنتی ایران با ایجاد بخش های مختلف جهت اقامت در فصول مختلف و نیز خلق قضاہایی که متناسب با اوقات مختلف روز از آن استفاده می شود معماری هوشمندی است که به فراخور تکنولوژی زمان خود برترین قابلیت را در تطبیق با شرایط ویژه آب و هوایی داراست. ضمن اینکه حیاط های مرکزی که جز از طریق دالان و یا هشتی ورودی با گذرها ارتباط برقرار نمی کردند با درختان زیبا و حوض آبی در میان سایه ساری درونی ایجاد نموده و گرمای کویر را به باغ درونی اجازه ورود نمی دادند افزون بر آن گاه با ایجاد باغچالی دنج ضمن دست یابی به آب روان امکان بهره گیری از هوایی خنک تر فراهم می آمده است.



شکل ۹-مقطع طولی خانه بروجردی ها در کاشان؛ به اختلاف ارتفاع قسمت تابستان نشین و زمستان نشین و همچنین اختلاف سطح حیاط نسبت به کوچه توجه کنید. زاویه تابش آفتاب هنگام ظهر در اول تیر ماه ۷۹٫۵ درجه و در اول دی ماه ۳۲٫۵ درجه است.

مجموعه های ساخته شده در جبهه نثار حیاط تحت عنوان تابستان نشین با اتاق های سه دری و پنج دری و اتاق های ارسی، ورود نور و گرما را تنظیم می نموده، همچنین تیغه های تابش بند افقی (سر سایه ها) گلجام های زیبای پوشیده با شیشه های رنگی حاصل از غرابه های شکسته (که به سادگی قابل جایگزینی است). تابش بندهای عمودی میان درگاه ها، خرک پوش ها و شباک ها، ضمن بهره گیری از نور مناسب، فضاهای درونی را از گزش تابش مصون می داشتند. توجه به ایجاد فضاهایی چون تالارها و ایوان ها به صورت فضاهای نیمه باز سرپوشیده، مهتابی های مناسب برای خواب آرام شبانه، فضاهای مناسب خواب نیمروزی، و فضاهایی که فقط نورگیری بر سقف داشتند، حوض خانه ها، سرداب ها، شوادان ها و ... در فراهم کردن شرایط بهینه زیستی مفید بوده اند.

بر عکس ضلع شمالی با تهرانی ها و شکم دریده های گسترده به روی خورشید فضایی گرم و دلنشین فراهم می سازد تا اهالی در امان از سرمای کویر زمستان را به بهار رسانند. تمام آنچه گفته شد نشان از تفکری عمیق و شناختی بی پایان از نوعی معماری است که مسبوق به سابقه لحظه لحظه زندگی است و می تواند الگوی مناسبی برای رهیافت های امروز باشد.

ممانعت از نوسانات دما و ایزولاسیون حرارتی

مرحوم پیرنیا از واژه "پنام" به معنای عایق به عنوان یکی از موضوعات پر اهمیت معماری سنتی یاد نموده و متذکر می شوند در معماری ایران هیچ ساختمانی چه با پوشش تخت و یا سغ (منحنی) نیست که پوشش آن دوپوش باشد و منطق کلی دو پوشه ساختن پوشش های تخت و طاقی را علاوه بر سبک نمودن پوشش، ممانعت از انتقال گرمای بیرون به داخل بیان می نماید. دیوارهای ضخیم و ستبر بناها که به هم چسبیده و گویا در کل بافت پیچیده شده اند نیز غالباً دو لایه ساخته شده و از لایه میانی آن به عنوان عایق استفاده می شده و نیز نماسازی های گل انداخته آجری دیوارها گاهی به عنوان پنام (عایق) به کار رفته اند.

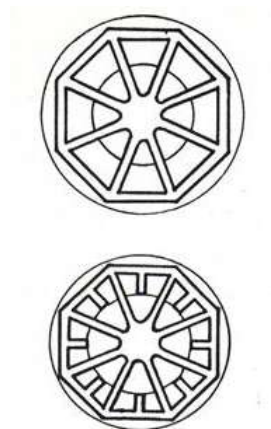
عکس - سبک شناسی

تلفیق با طبیعت و بهره گیری از منابع طبیعی زیباترین جلوه استفاده بهینه از انرژی های جاری طبیعت بادگیر است. ایرانیان همچنان که به یاری کهریز آب های پاک را به دست کشاندند هوای خوش را با به کار گیری واتفر (بادگیر) به خانه آوردند.

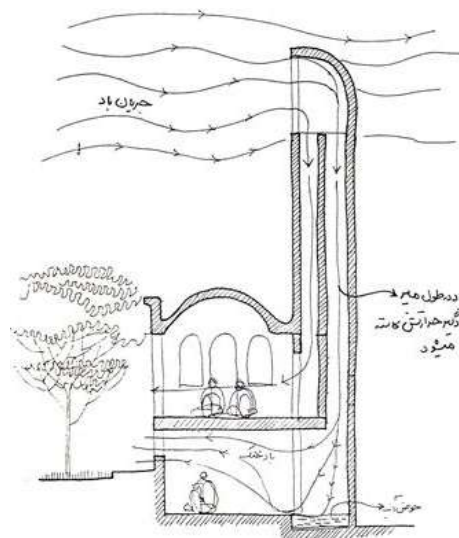


شکل ۱۰- آب انبار شش بادگیر (قاجاریه) - یزد

بادگیرها انواع گوناگون دارند و با توجه به وضعیت اقلیمی و جهت باد به شکل های متنوع ساخته شده اند و پایه کار آن ها بر اساس دمیدن هوای تازه ناشی از وزش باد به داخل ساختمان و مکش هوای گرم برای راندن هوای آلوده از ساختمان است. از تمهیدات دیگر می توان به خشیکان ها اشاره داشت که جهت تهویه جداره ها و خنک ساختن فضاها با استفاده از وزش باد استفاده می شده است (کاربردی شبیه کولرهای امروزی داشته است).



شکل ۱۲- بادگیرهای شش وجهی - آب انبار شش بادگیری



شکل ۱۱- عملکرد بادگیر - هنگام جریان باد در ارتفاع

نمونه جالب دیگر از استفاده بهینه از منابع طبیعی، تامین آب، آب انبارها در مناطقی که به شدت دچار کم آبی یا بی آب بوده اند، با استفاده از آب باران است که به ویژه در کاروانسراها (مانند رباط شرف) به چشم می خورد به این منظور ابتدا با پر کردن شانه طاق ها با طاق های کوچکتر سطحی شیب دار فراهم کرده و روی آن را با استفاده از عایقی طبیعی قیر چارو می پوشاندند که آب را از روی پشت بام ها به ناودان ها و از آن جا به حوضچه های سنگی مخصوص هدایت می نموده است.

یکی دیگر از کم نظیرترین نمونه های بهره گیری از منابع رایگان طبیعی و به خدمت گرفتن امکانات وجود یخچال هستند که با توجه به انتخاب محل ساخت (دشت های باز خارج شهر) توجه به زمان مناسب (نیمه شب و قبل از سپیده دم) که سردترین دمای طول روز را دارد و جهت مناسب (شمالی جنوبی) و استفاده از خاصیت تاخیری فصول در عمق خاک، ساخت یخ و ذخیره سازی آن در پاچال ها و بهره گیری از آن در تابستان بسیار موفق عمل کرده است.



شکل ۱۳- یخچال - سمنان

تحقق و تفحص در معماری گذشته و توجه به راه کارهای پیشینیان که متناسب با تکنولوژی و امکانات ساخت همان زمان بوده و تفکر در چگونگی عملکرد هر مورد که بی شمار هم هست شاید قدمی ابتدایی در تدوین اصولی جدید و در خور زندگی و امکانات امروز باشد چرا که ذهن بیدار معمار ایرانی همواره راهکارهایی برای حداکثر بهره برداری از حداقل امکانات جسته است.

جمع بندی

موانعی که بر سر راه ایجاد معماری پایدار قرار دارند، با در نظر گرفتن معماری پایدار به عنوان یک فرآیند و توجه به زمینه های بومی شکل گیری آن، قابل حل می باشند. پایداری نیاز دارد که در رابطه با فرآیند دیده شود. به عنوان چیزی که رابطه بین بیوفیزیکیال جسم ساخته شده و فرهنگ اجتماعی را شکل میدهد.

ناتوانی طراحان که نتوانسته اند، پیوستگی و محتوای فرهنگی - اجتماعی معماری را تشخیص دهند، یا اینکه نیازها و انتظارات کسانی که قصد دارند از آن استفاده کنند را درک نمایند، منجر به شکست بسیاری از پروژهها در زمینه پایداری، گشته است. در واقع، در اینجا، صحبت در این باره است که چگونه فرهنگ و ارزش های محلی را باید حفظ کرد. این موضوع حقیقتاً روی موفقیت یا شکست یک پروژه تأثیر می گذارد. رویکرد معماری پایدار نیازمند بستر سازی بومی مناسب می باشد ولی خط مشی های سنتی که منجر به ایجاد سر پناه هایی شده اند که در طی قرن ها پایدار بوده اند، امروزه از عهده نیازها و منابع موجود و زمان حال، بر نمی آیند، بنابراین در اینجا منظور از توجه به ویژگیهای بومی، توجه به ارزش های آن می باشد.



منابع

- ۱- پیرنیا، کریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- ۲- پیرنیا، کریم، سبک شناسی معماری ایرانی، سروش دانش، ۱۳۸۳.
- ۳- قبادیان، وحید، مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، فرهنگ و معماری ش ۱۸.
- ۴- گرجی مهلبانی، یوسف، رویکردی دیگر به معماری پایدار، هنر پژوه، شماره چهارم، تابستان ۸۶.
- ۵- قبادیان، وحید، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.